

بررسی اوضاع اجتماعی جوامع کارگری در خوزستان

(مطالعه موردی کارگران و کارکنان شرکت نفت)

سید امین شفیع پور^۱ فاطمه دهانی^۲

چکیده:

یکی از مهم ترین مسائل که در قرن نوزدهم و بیست میلادی باعث تحولات در جهان شد کشف نفت بود. در کشور ایران و در دوره حکومت قاجاریه به دنبال امضای قرارداد داری تمامی امتیاز کشف، اکتشاف و فروش آن به یک یهودی آلمانی تبار واگذار شد. بعداز کشف اولین حلقه چاه نفت در جنوب غربی ایران و در شهر مسجدسلیمان به یکباره وضعیت اجتماعی مردمان این قسمت از کشور دچار تغییر و تحول شد. این تحولات در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی بود. با ورود نیروهای انگلیسی به منطقه جنوب غرب ایران به یکباره جامعه ای که به حالت سنتی بود با جامعه و فرهنگ غربی مواجه شد و موجب شد که مردمان این منطقه با دستاوردهای علمی و فنی آشنا شوند و به دنبال این اقدامات وضعیت آموزشی و بهداشتی آنان تغییر یابد. بعداز پایان جنگ های اول و دوم جهانی کارگران و کارکنان شرکت نفت برای به دست آوردن احقاق حق خود دست به اقداماتی از جمله اعتصابات سراسری زدند. به دنبال ملی شدن صنعت نفت در ایران دولت بریتانیا برای آنکه بتواند مانع از تحقق اهداف دکتر محمد مصدق نخست وزیر وقت شود کارگران را تحریک کرد که بر علیه مصدق اعتصاب کنند و مانع از استخراج نفت شدند.

واژگان کلیدی: خوزستان، انگلیس، نفت، کارگران، اعتصاب

مقدمه:

نفت به عنوان مهمترین منبع انرژی در قرن بیستم اهمیت ویژه ای یافت به گونه ای که این قرن را قرن نفت نامیده اند. در جنگ جهانی اول برای نخستین بار نیروی دریایی بریتانیای کبیر ترجیح داد نفت را جایگزین سوخت های دیگر کند. مهمترین منبع نفت در دسترس آن کشور، منابع نفتی ایران بود. بنابراین، وابستگی انگلستان به نفت ایران در طول جنگ جهانی به تأسیس و توسعه ی صنعت نفت انجامید که خود به تسریع روند مهاجرت، تحول جمعیت و ترکیب فرهنگ های مختلف در منطقه ی نفتی جنوب ایران منجر شد. پس از تشکیل شرکت نفت ایران و انگلیس، این شرکت بنا بر نیاز خود شروع به استخدام کارگران ایرانی نمود. در جریان رشد و توسعه صنعت نفت، تعداد کارگران روز به روز بیشتر شده و در

^۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ گرایش ایران دوره اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان

^۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ گرایش ایران دوره اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان

مناطق نفت خیز از جمله خوزستان مشغول به کار شدند. این کارگران که در شرایط بد اقتصادی و معیشتی به سر می بردند، در دهه بیست با شکل گیری اتحادیه های کارگری و نفوذ حزب توده در صنعت نفت متشکل شده و اعتصابات کارگری را شکل دادند. همچنین با کشف نفت در جنوب ایران و تأسیس مراکز صنعتی، به ویژه پالایشگاه آبادان، عشایر و روستاییان منطقه به عنوان کارگر در صنعت نفت مشغول کار شدند. ضرورت تولید و صدور بیشتر نفت در سال های جنگ جهانی اول به افزایش تعداد کارگران در شرکت نفت انجامید که نتیجه آن مهاجرت وسیع کارجویان شهری و روستایی از نقاط مختلف کشور به سوی مناطق جنوب غربی ایران بود. شرایط کاری کارگران ایرانی در شرکت نفت که با مدیریت انگلیسی ها اداره می شد، فصل جدیدی در تاریخ اجتماعی ایران گشود.

پیشینه پژوهش:

در مورد اوضاع اجتماعی کارگران در استان خوزستان آنچنان که شاید و باید کاری صورت نگرفته. مقالات و کتبی که بصورت گذرا به مقوله کارگران علی الخصوص کارگران شرکت نفت پرداخت شده است می توان به موارد زیر اشاره نمود. بررسی نقش پیدایش صنعت نفت بر توسعه اجتماعی نوشته رضا کیانی، نویسنده در این مقاله به بررسی پیدایش نفت بر ساختار و تحولات شهر مسجد سلیمان پرداخته است. کتاب نفت و زندگی اجتماعی اثر ربابه معتقدی، نویسنده در این اثر به تاثیر نفت بر زندگی مردم مناطق جنوب پرداخته است. مناسبات نفتی ایران و انگلیس در فاصله سال های ۱۳۳۰-۱۳۲۰ (با تکیه بر اوضاع اجتماعی کارکنان شرکت نفت ایران و انگلیس) نوشته حمیده خلیلی و طیبہ نعمت پور. نویسندگان در این مقاله به دلایل و شکل گیری برخی از اعتصابات کارگری پرداخته اند.

درآمدی بر استخراج و کشف نفت در ایران:

بعد از بازگشت هیئت فرانسوی از ایران گزارش هایی حاوی اینکه کشور ایران دارای مناطق نفت خیز است را در مجله ای چاپ کردند ولی تا ابتدای سال ۱۹۰۰م. هیچ کدام از دول اروپایی برای کشف و استخراج آن پیش قدم نشدند. در دوره حکومت قاجار شخصی به نام آنتوان کتابچی خان ریاست گمرک را در ایران عهده دار بود و وی به نحوی کشورهای اروپایی و همچنین شخصی به نام ویلیام ناکس داریسی را از وجود نفت خبر دار کرد. (مقداشی، ۱۳۵۴: ۱۰). بعد از آنکه دول اروپایی به دنبال گسترش استعمار خود در ایران بودند کشور انگلیس از جنوب و روسیه از شمال ایران را تحت اختیار خود داشتند. دولت انگلیس به وزیر مختار خود در ایران به سرآرتور هاردینگ دستور داد که زمینه را برای کسب نخستین امتیازات نفتی

در ایران را فراهم کند. سرانجام شخصی به نام ماریوت که نماینده داری بود به همراه رئیس گمرک ایران و به مرکز حکومت روانه شد. دولت انگلستان از وزیر مختار خود درخواست نموده بود که به حمایت ماریوت بپردازد. در جریان ملاقات نماینده داری با دولت قاجار، به پیشنهاد وزیر مختار انگلیس، ماریوت در هنگام درخواست خود از مناطق شمالی ایران برای جلوگیری از تنش های بین دولت روسیه و انگلیس خود داری کند. در سال ۱۹۰۱ م. قراردادی بین دولت علیه ایران و ماریوت نماینده داری امضا شد. در این قرارداد مساحتی در حدود ۷۷۰ هزار کیلومتر مربع به داری برای استخراج و کشف نفت واگذار گردید. مدت قرارداد ۶۰ سال ذکر شده بود. (فاتح، ۱۳۵۸: ۲۵۴-۲۵۳).

بعد از آنکه داری امتیاز مزبور را به دست آورد برای حفاری به سمت غرب ایران و شهر قصر شیرین کرمانشاه رفت بعد از مدتی در آنجا به نفت نرسید. وی که از استخراج نفت ناامید شده بود امتیاز آن را به شرکت نفت انگلیسی برمه واگذار نمود و از این زمان به بعد شرکت جدیدی تحت عنوان شرکت نفت سندیکای امتیاز عهده دار حفر چاه نفت شد. شرکت مزبور تمام تجهیزات استخراج را از غرب ایران به منطقه مسجد سلیمان انتقال داد و بعد از سه سال کار و تلاش توانست که در منطقه تفتون مسجد سلیمان نخستین چاه نفت را کشف کند و این خبر از طرف سرچارلز مارکینگ به دولت انگلستان در لندن داده شد. (ذوقی، ۱۳۶۸: ۶۸). یکسال بعد از استخراج نفت در ایران شرکت جدیدی به نام شرکت نفت انگلیس و ایران با سرمایه ای در حدود دو میلیون لیره استرلینگ تشکیل و امتیاز شرکت سندیکای امتیازات را خرید و چاه های نفت را گسترش داد و خط لوله ای را تا آبادان گسترش داد. (فاتح، ۱۳۵۸: ۲۶۴).

زمینه های مهاجرت کارگران به مناطق نفتی جنوب:

تا قبل از آنکه در مناطق جنوب نفت کشف و استخراج شود افراد زیادی به این منطقه برای کار اعزام نمی شدند اما بعد از آنکه در این منطقه به وسیله شرکت های انگلیسی نفت کشف و استخراج گردید زمینه برای مهاجرت به جنوب فراهم گردید. در اینجا به دو عامل که موجب مهاجرت مردم به جنوب شد می پردازیم.

نبود امنیت در کشور:

در سال های منتهی به کشف و استخراج نفت در کشور دو گروه مشروطه خواهان و سلطنت طلبان در مقابل هم قرار گرفته بودند و اوضاع سیاسی کشور را درگیر رقابت های خود کرده بودند. به دلیل درگیری بین دو گروه بالا عده ای نیز از این وضعیت استفاده کردند و بر اوضاع آشفته دامن می زدند و موجب آن می شدند که مردم را در تنگنا قرار دهند و زمینه برای

مهاجرت از ایالات دیگر به جنوب را فراهم کنند. (عاقلی، ج اول، ۱۳۶۹: ۳۶-۲۷). نه تنها تهران، تبریز، اصفهان و گیلان جولانگاه جنگ بین دو گروه مشروطه خواه و سلطنت طلب بودند بلکه در مناطق جنوب و جنوب غربی نیز ناامنی هایی وجود داشت بدین صورت که طوایف و اهالی شهرهای جنوبی برای آنکه بتوانند مایحتاج خود را تامین کنند بعضا به کاروان های اروپاییان دستبرد می زدند و زمینه را برای ناامنی در این مناطق بیشتر می کردند. بعد از ورود انگلیسی و کم شدن ناامنی در منطقه عده ای از ایرانیان که از اوضاع سیاسی کشور و همچنین جنگ های دوگروه مخالف، جهت امنیت و آرامش بیشتر به سمت جنوب مهاجرت کردند و موجب شدند که در این منطقه از همه اقوام های ایرانی وارد شوند. (عیسوی، ۱۳۶۹: ۵۰۶-۵۰۲).

قحطی و خشکسالی های پی در پی کشور:

در بحبوحه جنگ بین سلطنت طلبان و مشروطه خواهان یکی از عواملی که موجب شد عده زیادی به جنوب مهاجرت کنند بلایای طبیعی بود. در مناطق مختلف ایران محصولات کشاورزی با انواع آفتها و بعضا با حمله حشرات مواجه می شدند و از طرفی در برخی مناطق به دلیل عدم بارندگی های لازم قسمت هایی از زمین ها عملا از دست کشاورزان خارج می شد. اصفهان در فاصله سال های ۱۳۲۸ ق و ۱۳۲۹ ق. دچار شورش شد. این شورش توسط زنان به دلیل کمبود نان رخ داد که زنان بعد از غارت حاکم شهر را به قتل رساندند. در سال های ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ ق به دلیل کمبود غلات و قحطی اصفهان بار دیگر دستخوش تغییر و تحولات گردید. (عاقلی، ج اول، ۱۳۶۹: ۵۵). در روستاهای اطراف اصفهان، درصد زیادی از روستائیان بدون زمین بودند و این روستاها نیروی غیرماهر صنعت نفت جنوب را عرضه می کردند. بیشتر از ۱۵۰۰ نفر از کارگران شرکت نفت متعلق به ناحیه اصفهان بودند. (عیسوی، ۱۳۶۹: ۷۷).

تأثیر نفت بر زندگی مردم مناطق نفتی جنوب:

قرار گرفتن در طبقه ی کارگر و کارمند شرکت نفت و استفاده از مظاهر تمدنی مسکونی، رفاهی، آموزشی و بهداشتی آنها سبب وارد شدن شکل جدیدی از زندگی به جای زندگی سنتی سابق شد. این خدمات باعث تفکیک زندگی مردم به کار، سکونت، تفریح و ... به عنوان شعار رایج شهرسازان نوگرای آن زمان می شد. کار جدید به جای زمان حاکم بر جوامع سنتی یعنی زمان طبیعی، از زمان صنعت و جامعه ی صنعتی مدرن یعنی حرکت براساس حرکت عقربه های ساعت تبعیت می کرد و سکونت از چادرنشینی با خانه های سنتی به خانه های ویلایی و ردیفی با امکانات نوین منتقل شد که فضاهای این

خانه ها عموماً فضاهایی نبودند که برای زندگی ایلی مناسب باشند. (باور، ۱۳۹۰: ۹۳). اوقات فراغت نیز در مکان هایی چون استخر، سینما و باشگاه های شبانه می گذشت که قبلاً در هیچ جای ایران برای آن مشابهی وجود نداشت. سنتها دیگر نه به عنوان بخشی جاری در زندگی روزانه بلکه بخش هایی سطحی از آن تنها به عنوان رسوم زندگی مردم به چشم می خورد. به تبع ورود تمدن جدید و نقش آن در زندگی مردم، محیط انسانی و طبیعی نیز دستخوش تحول قرار گرفت. به جای کوچ های همراه با مشقت به مناطق ییلاقی و برعکس، طبیعت دل خواه به مدد فناوری در مناطقی سوزان ایجاد می شد که نتیجه ی آن تبدیل شهرهای نفتی به مناطق سرسبز بود. به دلیل آنکه انتخاب محل این شهرها برخلاف شهرهای سنتی تنها برپایه ی مکان یابی صنعتی بود. (دورتینگ، ۱۳۸۲: ۲۰۱).

بعد از ورود شرکت نفت ایران و انگلیس به مناطق نفت خیز جنوبی ایران این مناطق دچار تحولات آموزشی، بهداشتی، فرهنگی و اقتصادی شد که در این نوشتار بصورت مختصر به هر کدام از این شاخص ها پرداخته می شود.

وضعیت آموزش بعد از کشف نفت در مناطق نفت خیز:

فراهم کردن زمینه آموزش برای رفع نیازها و ایجاد مدارس نیز از عوامل موثر بر بافت اجتماعی مناطق نفتی بود که به گسترش تغییرات اجتماعی در مناطق نفت خیز منجر شد. بنابراین ساخت مدارس در حوزه ی عملیات شرکت نیز از دیگر اقداماتی بود که در جهت توسعه و گسترش عملیات اکتشافی شرکت صورت گرفت. شرکت نفت ایران و انگلیس تا جنگ جهانی اول مدارس را تحت نظر داشت ولی پس از خاتمه جنگ آن را به کارگران ایرانی محول کرد. (سالنامه فرهنگ خوزستان، ۱۳۳۳: ۵۶-۵۱). رونق و گسترش مدارس شرکت نفت از زمانی شروع شد که بعد از قرارداد ۱۳۱۲ ش. طراحی هشت ساله از طرف مدارس وزارت دارایی به شرکت داده شد که شرکت ناچار شد آن را قبول کند. طی این طرح شرکت موظف بود که در ساخت تعدادی مدرسه، آموزشگاه فنی و حرفه ای ساخت دانشکده فنی، خانه سازی و توسعه بهداشت کمک مالی نماید. (طرفی، ۱۳۸۳: ۴۳۲). در دوره ی رضاشاه تا جنگ جهانی دوم همواره جدال و چانه زنی بین دولت مرکزی و شرکت نفت وجود داشت. جدال بر سر هزینه مدارس و مواد آموزشی وجود داشت آموزش و پرورش حاضر نبود این هزینه ها را تقبل کند و از طرفی شرکت نیز معتقد بود که یک شرکت تجاری است و تعلیم و تربیت دانش آموزان بر عهده ی آن شرکت نیست ولی بعدها شرکت برای حفظ منافع خودش مجبور شد این هزینه ها را تقبل کند (کتاب خوزستان، ۱۳۸۱: ۳۳).

وضعیت بهداشت و درمان مردم مناطق نفت خیز بعد از کشف نفت:

از دیگر وجوه بارز تأثیرات و تغییرات کشف نفت و آثار آن در مناطق نفت خیز را می توان در حوزه بهداشت و درمان ذکر کرد یکی از حوزه هایی که به نظر می رسد بیشترین میزان تغییر و تحول را تحت تأثیر کشف نفت تجربه نمود. در سال های ابتدایی کار شرکت نفت در حوزه ی جغرافیایی جنوب غرب ایران، تیم پزشکی شرکت نفت به عموم مراجعه کنندگان اعم از مستخدمان آن شرکت یا غیرمستخدمان، سرویس و خدمات درمانی ارائه می کرد. اگرچه این خدمات بیشتر برای جلب توجه و همکاری مردم نسبت به اروپاییان و خارجیان مهاجر بود، اما نمی توان منکر تأثیر آن در بهبود کیفیت زندگی مردم بومی شد. اینان که اغلب پذیرش بیگانگان را نداشتند و در موارد متعدد با آنان درگیر شده، یا اموالشان را بارها به سرقت برده بودند و از کار کردن برای آنان امتناع می ورزیدند، با برقراری ارتباط نزدیک تر و دریافت خدمات درمانی و بهداشتی، قدرشناسانه سعی در جبران این زحمت داشته و محبت ویژه ای نسبت به کارکنان و رؤسای شرکت نفت پیدا می کردند. (راسخی لنگرودی، ۱۳۸۵: ۱۳۵).

با توجه به افزایش نیروی کار در شرکت و خطر آفرینی نوع کارگران و مخاطرات فراوانی که آنان را تهدید می کرد، ضرورت وجود مراکز درمانی کاملاً روشن شد. بنابراین خدمات رسانی به مستخدمان آسیب دیده تأسیسات نفتی به عنوان انگیزه ایجاد بیمارستان ها در اولویت جدی قرار گرفت. تا پیش از این تاریخ نه این همه نیروی انسانی در منطقه خوزستان یک جا جمع شده بودند و نه این همه خطرات و آسیب دیدگی در میان مردم یک منطقه معمول بود. عشایر و مردمان محلی نیز به شیوه های سنتی و از طریق طب گیاهی تا حدودی مشکلات و بیماری های موجود را درمان می کردند اما حوادث بی شماری که در ارتباط با کار نفت برای کارگران پیش می آمد، آنقدر فراوان و جدی بود که پیش بینی محلی درمان و وجود پزشکان متبحر برای رسیدگی به آن غیرقابل اجتناب بود. مشکلات از قبیل قطع عضو، سوختگی های شدید، خرد شدن در زیر بار ابزارها و لوازم سنگین حفاری و لوله های نفتی و ... از معمول ترین حوادث بود که می توانست سبب اعزام کارگران به بیمارستان شود. نخستین بیمارستان در مناطق نفت خیز در سال ۱۹۱۴ م ۱۲۹۳ / ش توسط فردی به نام «ام. وی. یانگ» در مسجدسلیمان تأسیس شد. دکتر یانگ، ابتدا رییس کل اداره تامین شرکت در مسجدسلیمان بود که در بین انگلیسیها به «مامور سیاسی» ملقب شده بود. بیمارستان مسجدسلیمان مدت های مدیدی تنها بیمارستان مناطق نفت خیز به شمار می آمد و به سایر مناطق نفت خیز خوزستان خدمات درمانی ارائه می نمود. (سرداری پور، ۱۳۸۷: ۷۷).

وضعیت اقتصادی و معیشت مردم جنوب بعد از کشف نفت:

در سالهای قبل از اکتشاف نفت، جامعه ی خوزستان جامعه سنتی بود که شیوه ی معیشت اهالی شهرها و روستاهای آن برپایه کشاورزی، یک جانشینی و کوچ نشینی بود و با شروع عملیات حفاری به تدریج مردم به سمت فعالیت های حفاری نفت رو می آوردند. با شروع عملیات حفاری در مناطق نفت خیز و روی آوردن مردم به تأسیسات نفتی در نوع اشتغال مردم منطقه تغییر اساسی ایجاد شد. بدین ترتیب، مردم منطقه که فعالیت های شان حول محور کشاورزی و دامپروری می چرخید، کار خویش را رها کردند و به کار جدیدی رو می آوردند. اکتشاف نفت فرصت های شغلی فراوانی ایجاد کرد و با پر حجم شدن عملیات نفتی و افزایش سطح تولید و توزیع درآمد ناشی از مشاغل نفتی، فعالیت های اقتصادی دیگری همچون کشاورزی کم رنگ شد. (علم، ۱۳۸۶: ۱۶۶). در ابتدای فعالیت شرکت نفت ایران و انگلیس، کارمندان ایرانی وجود نداشت و فقط از خوانین محلی و شیوخ برای آرام گردانیدن مردم استفاده می شد ولی با افزایش تشکیلات شرکت احتیاج به کارگران و کارمندان ایرانی افزایش یافت و برای این کار ابتدا شروع به استخدام با سوادان محلی کرده که میتوانستند بنویسند و بخوانند و استعداد یادگرفتن زبان انگلیسی را داشتند اما شرایط استخدام آنها به هیچ وجه با شرایط استخدام کارمندان انگلیسی منطبق نبود و ایرانیان با سواد از کارمندان درجه دوم شرکت محسوب می شدند. (افشین، ۱۳۳۳: ۱۲۳). کلیه ی کارکنان فنی، اداری و بازرگانی شرکت که مشاغل عمده و مسئولیت اداری داشتند، انگلیسی و کلیه کارمندان دفتری و عموم کارگران فنی و حتی آشپزخانه و پیش خدمت ها هندی و پاکستانی بودند و فقط کارهای غیرفنی به ایرانیان محول شده بود. تنها کارگران فنی ایرانی عبارت بودند از یک عده بنا و نجار وعده ی معدودی که زیردست هندی ها و انگلیسی ها کارهای فنی آموخته بودند. معدودی از ایرانیان هم به عنوان منشی و میرزا استخدام شده بودند که کمی انگلیسی می دانستند. (فاتح، ۱۳۸۴: ۴۲۸). به نظر می رسد با گسترش فعالیت های نفتی در خوزستان، بازارهای شهری نیز رونق یافت. بازار در این رهگذر به محلی برای رفع نیازمندی های کارگران و کارمندان تبدیل شد. حقوقی که به کارگران پرداخت می شد هر دو هفته یک بار و با دریافت چتی^۳ بین کارگران توزیع می شد. وقتی که شرکت تصمیم می گرفت مبلغی به دستمزد کارگران اضافه کند بازاریان از این امر خوشحال می شدند که کارگران بک پی^۴ حقوق خود را خرید خواهند کرد. (وزیری،

^۳. کارت کوچکی که مبلغ حقوق بر روی آن درج شده بود

^۴. مقدار پولی که از تاریخ تصویب اضافه دستمزد تا تاریخ پرداخت عملی آن به کارگران پرداخت می شد.

۱۳۸۰: ۲۷۷). احداث فروشگاه ها نیز از اقدامات مهم شرکت جهت تامین رفاه کارکنان و حفظ قدرت خرید آنها در تشکیلات خود بود. این فروشگاه ها که به استور معروف بودند به فروشگاههای کارگری و کارمندی تقسیم می شدند که نقش مهمی در تعدیل قیمت ها و حفظ و بالا بردن قدرت خرید کارکنان ایفا می کردند. جیره ماهانه ی کارگران به نام ریشن طبق برنامه ی مشخص در فروشگاه های کارگری توزیع می شد. (عباسی شهنی، ۱۳۸۲: ۳۴۹).

دلایل اعتصاب کارگران شرکت نفت:

در فاصله سال های منتهی به ملی شدن صنعت نفت در ایران بین کارگران و کارمندان شرکت نفت که اغلب ایرانی بودند اعتصابات سراسری شکل گرفت. کارگران ایرانی بعداز کشف نفت که به کار مشغول بودند نسبت به کارگران خارجی کمترین حقوق را می گرفتند و از طرفی در محله های زندگی می کردند که به محله کاغذآباد مشهور بود و از ابتدایی ترین امکانات اولیه محروم بودند و شرکت نفت ایران و انگلیس به بهانه نداشتن کارگر و کارمند کافی توانایی ساخت خانه و فراهم کردن امکانات اولیه را برای آنان ندارد. بعداز پایان جنگ دوم جهانی تنها در حدود ده درصد از کارکنان شرکت دارای خانه بودند و مابقی در محله کاغذ آباد زندگی می کردند. در این دوره قانونی به نام قانون کار وجود نداشت و کارگرانی که روز جمعه کار نمی کردند پولی دریافت نمی کردند و از طرفی مزد آنان بصورت روزمزد پرداخت می گردید. کارگران بعداز اینکه در شرکت نفت بازنشسته می شدند از مزایایی بازنشستگی برخوردار نمی شدند و مجبور بودند که در شهرها به تکیه پیردازند و از این راه مایحتاج خود و خانواده را تامین کنند. (فرمانفرمائی، ۱۳۷۸: ۴۳۹-۴۳۸).

نارضایتی و اعتراض نه تنها در بین کارگران وجود داشت بلکه کارمندان ایرانی نیز دست به اعتراض زدند. دلیل امر حضور پررنگ نیروهای خارجی همچون انگلیسی و هندی بود. دلیل زیاد شدن این دوگروه در ایران جنگ دوم جهانی بود. نیروهای خارجی بعداز ورود به ایران در خانه هایی که شرکت برای کارمندان ایرانی خود تهیه کرده بود ساکن شدند و از تمامی مزایای برخوردار شدند حالا آنکه کارمندان ایرانی به اطراف شهر ها در محیطی نامناسب به زندگی کردن ادامه دادند و بعضا مجبور به اجاره خانه بودند و برای پرداخت اجاره بهای خانه با مشکل روبه رو می شدند چون اجاره ها بالا بود. (فاتح، ۱۳۶۰: ۴۳۵).

از لحاظ پرداخت حقوق و مزایای شرکت نیز بین کارمندان و کارگران ایرانی و خارجی تفاوت فاحشی قائل می شد به نحوه ی که حتی کارگران ساده انگلیسی که در دفاتر کار می کردند جزء کارمندان عالی رتبه محسوب می شدند و در محله های

بهتر شهر زندگی می کردند و از تمامی مزایای، تفریحی، آموزشی، بهداشتی و رفاهی برخوردار بودند حال آنکه ایرانیان در محله کاغذآباد که جولانگاه انواع حیوانات بود زندگی می کردند و از مزایای دیگر محروم بودند. (فرمانفرمائی، ۱۳۷۸: ۴۳۶).

ایرانیان حق نداشتند که در راس امور مهم قرار گیرند. زیرا سیاستی که شرکت دنبال می کرد این بود که انگلیسی ها را بر ایرانیان تفوق و برتری بدهد. این برتری تاجایی پیش رفت که حتی در بیمارستان های خوزستان اتاق های مخصوص بیماران انگلیسی ایجاد شده بود که ایرانیان حق حضور در آن اتاق ها را نداشتند. (عباسی شهنی، ۱۳۷۴: ۱۹۲).

مجموع عواملی همچون، نبود خانه مناسب برای اسکان، پایین بودن دستمزد، نبود قانون کار، و... زمینه را برای اعتراض کارگران و کارمندان ایرانی شرکت نفت فراهم نمود.

نتیجه گیری:

به دنبال کشف و استخراج نفت، زمینه برای مهاجرت عده زیادی از ایرانیان به مناطق جنوبی فراهم شد. ایرانیان در بحبوحه استخراج نفت با دو مشکل عمده مواجه شده بودند، این مشکلات یکی نبود امنیت سیاسی در کشور و دیگری قحطی بود. مردم برای اینکه خود را از این دو مشکل برهانند به دنبال استخراج نفت به مناطق جنوبی مهاجرت کردند. به دنبال مهاجرت عده زیادی از مردم شرکت نفت انگلیس و ایران در شهرهای نفت خیز دست به تاسیس مراکز آموزشی و درمانی زد و نخستین بیمارستان را در شهر مسجد سلیمان تاسیس نمود. عموم کارگران و کارمندان رتبه بالا در شرکت نفت انگلیسی، هندی و پاکستانی بودند. شرکت نفت برای آرام کردن طوایف محلی از خوانین استفاده نمود و کم کم زمینه را برای حضور ایرانیان در مشاغل غیر فنی فراهم نمودند. بعد از آغاز جنگ دوم جهانی و گسترش نفوذ نیروهای انگلیسی و هندی در مناطق جنوبی کارکنان ایرانی شرکت نفت دچار وضعیت وخیمی شدند و مجبور شدند برای حفظ موقعیت شغلی خود و کسب درآمد در محله های که به کاغذآباد معروف بودند زندگی کنند. به دلیل عدم یکسان سازی حقوق بین کارگران ایرانی و خارجی، همچنین نبود امکانات اولیه زندگی، در دسترس نبودن مراکز بهداشتی و آموزشی برای کارکنان و کارگران ایرانی، آنان دست به اعتصاب زدند. در دهه بیست شمسی با شکل گیری حزب توده و نفوذ آن در بین کارگران و حمایت این حزب کارگران اعتصابات خود را گسترش دادند و سرانجام در دوره نخست وزیری دکتر مصدق انگلیسی ها کارگران را به اعتصاب وادار کردند که موجب سقوط حکومت مصدق شد.

منابع و مآخذ:

- افشین، کاظم، نفت و خوزستانیان، بینا، تهران، ۱۳۳۳.
- باور، سیروس، شرکت شهر مسجدسلیمان، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره 36، ۱۳۹۰.
- دورتینگ، پولین لاواین، شهرکهای شرکت نفت ایران و انگلیس در خوزستان، مطالعه ای درباره تاریخ شهرک نشینی ۱۹۵۱-۱۹۰۸ م، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۱۵، ۱۳۸۲.
- ذوقی، ایرج، مسائل سیاسی نفت ایران، پاژنگ، تهران، ۱۳۷۵.
- راسخی لنگرودی، احمد، مردان نفت، کویر، تهران، ۱۳۸۵.
- سالنامه فرهنگ خوزستان، ۱۳۳۳.
- سرداری پور، محمدرضا و علی ایزدی نژاد، حکایت سیمرغ و نفت، اساطیر، تهران، ۱۳۸۷.
- طرفی، عباس، مدیران صنعت نفت ایران، ج 1، بی جا، ناشرمولف، ۱۳۸۳.
- عاقلی، باقر، روز شمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ج 1، گفتار، تهران، ۱۳۶۹.
- عباس شهنی، دانش، تاریخ مسجدسلیمان از روزگار باستان تا امروز، تاریخ تحولات صنعت نفت، هیرمند، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- علم، محمدرضا، انقلاب اسلامی در اهواز: علل و زمینه های وقوع انقلاب اسلامی، ج ۱، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۶.
- عیسوی، چارلز، تاریخ اقتصادی ایران عصر قاجار ۱۳۳۲-۱۲۱۵ ق، ترجمه یعقوب آژند، نشر گستره، تهران، ۱۳۶۹.
- فاتح، مصطفی، تاریخ پنجاه ساله نفت ایران، نشر علم، تهران، ۱۳۵۸.
- فرمانفرمائی، منوچهر، از تهران تا کاراکاس، نفت و سیاست در ایران، ج ۱، نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۷۸.
- کتاب خوزستان (در زمینه تاریخ، فرهنگ، هنر و ادبیات خوزستان)، ج ۱، سایه هور، تهران، ۱۳۸۱.
- وزیری، شاهرخ، نفت و قدرت در ایران: از قنات تا لوله، مرتضی ثاقب فر، مؤسسه انتشاراتی عطایی، تهران، ۱۳۸۰.